



وزارت راه و شهرسازی  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(مادر تخصصی)

# سلسله نشست‌های ایران شهر

خانه گفت‌وگو شهر و معماری



## سخنی در آغاز

پیرو سخنرانی وزیر محترم راه و شهرسازی در نشست برگزار شده به مناسبت روز معمار، مورخ ۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، در خانه گفتمان شهر و معماری (خانه منسوب به معمار فقید وارطان)، که با طرح یک جریان فکری در حوزه معماری و شهرسازی، تحت عنوان «اندیشه ایران شهری» متمرکز گردید، برنامه‌هایی به منظور توسعه و تداوم این اندیشه در دستورکار قرار گرفت.

از جمله مهم‌ترین اهداف برگزاری این سلسله نشست‌ها، فراهم آوردن فضای گفت و گو در حوزه اندیشه ایران شهری، افزایش حساسیت در لایه‌های مختلف تخصصی، دانشگاهی و عموم شهروندان نسبت به مسائل موجود و آتی شهر ایرانی، است. اندیشه ایران شهری، علی‌رغم برخورداری از ویژگی‌ها و ارزش‌های شاخصی چون «توجه به خرد، دادگری، هویت ملی، پذیرش تنوع دین و مذهب مطابق با قانون اساسی، دوری از نژادگرایی، صلاحیت حکمروایی/ فره ایزدی، پیوستگی فرد و جامعه، دفاع از آزادگی، تعادل با طبیعت و پیوند دین و اجتماع»، مبرا از نقد نبوده و دارای نقاط تاریک و روشنی همانند تمامی اندیشه‌هاست؛ بنابراین محک زدن دوباره این اندیشه با معیارهای «اسلام، مدرنیته و جهانی شدن»، به‌منظور کاوش دقیق در این اندیشه و دوری از مطلق‌گرایی و تقدس‌پنداری، ضروری است؛ امری که بخشی از آن در قالب پیگیری نشست‌های مذکور، برنامه‌ریزی شده است.

به منظور گسترش فضای گفتمانی، مباحث مطرح شده در هریک از جلسات، مستندسازی و به صورت دفترچه‌ای در پیش رو در اختیار علاقمندان و مخاطبان قرار می‌گیرد. در پایان سپاس و قدردانی بی‌پایان ما نثار اساتید و بزرگوارانی است که با ایراد سخنرانی و نیز ویرایش مطالب به عنوان ارکان اصلی شکل‌گیری این جریان گفتگوی فرهنگی ما را همراهی نموده‌اند. همچنین از سایر اندیشمندان و صاحب‌نظران گرامی دعوت می‌گردد با ارائه دیدگاه‌ها و ایده‌های خود درغنا بخشی و پویایی این جریان سهیم باشند.

### ● منا عرفانیان سلیم

مدیرکل دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی  
شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران



# چارچوبی برای طراحی مدل تحلیلی ایران شهر



متن سخنرانی دکتر شهین دخت خوارزمی

این گفتار بر ضرورت مدلسازی برای تحلیل ایران شهر تأکید داشته و سعی دارد چارچوبی برای طراحی مدلی ارائه دهد با این امید که بتواند زوایای تازه‌ای را برای فهم دقیق‌تر اندیشه ایران شهر بازگشاید.

بحث را با بیان دو پیش فرض آغاز می‌کنم:

- هر نوع تحلیلی درباره ایران شهر، نیاز دارد به مدل جامع مفهومی و تحلیلی. این مدل باید عناصر اصلی را در برداشته و روابط و تعامل‌های پیچیده میان این عناصر را تبیین کند. شکی نیست که طراحی چنین مدلی خود پروژه‌های است که باید توسط تیمی از پژوهشگران و متفکران مجرب اجرا شود.

- در طراحی چنین مدلی، توجه به اصول حاکم بر ذات پدیده‌های مربوط و عناصر اصلی ضروری است.

در این گفتار، اشاره‌ای خواهم داشت به برخی نکات که در طراحی این مدل لازم است بدان توجه شود.

پدیده ایران شهر بدون توجه به ۴ عنصر اصلی قابل تحلیل نیست. این عناصر عبارتند از:

### شهر، انسان، طبیعت، تکنولوژی

اما، ماهیت هر یک از این ۴ عنصر و تعامل آنان با یکدیگر باید در متن جامعه ایران تعریف شود. وگرنه نمی‌توان از ایران شهر سخن گفت.

این چهار عنصر پدیده‌هایی هستند درهم تنیده و هریک پیشینه‌ای تاریخی دارند.

طبیعت، یا همان سیاره زمین، ۴/۵ میلیارد سال پیش پدید آمد، در مجموعه‌ای کیهانی به نام عالم هستی که خود ۱۳/۷ میلیارد سال قبل گویا در اثر انفجاری بزرگ شکل گرفته است. انسان، به معنای هوموساپین، حدود ۲۰۰ هزار سال قدمت دارد. تکنولوژی، در معنایی گسترده، یعنی نخستین ابزاری که انسان ساخت، ۵۰ هزار سال بیشتر سابقه ندارد.

پیشینه‌ی اولین شهر، به حدود یک هزار سال قبل بر می‌گردد. شهری به نام جریکو (Jericho) در کرانه‌ی باختری رود اردن و با ۲۵۰۰ نفر جمعیت. ترتیب پیدایش خود عاملی است مهم، که نمی‌توان از آن گذشت. زیرا هر پدیده‌ی جدید، تابعی است از قوانین حاکم بر پدیده‌های قبل از خویش. بدین ترتیب شهر به عنوان جدیدترین پدیده‌ی ساخت بشر، به اجبار بار قوانین حاکم بر پدیده‌های پیش از خود را بر دوش دارد.

### اصول حاکم بر تحلیل

هر تحلیلی نیاز دارد به مدلی که بتواند عناصر اصلی پدیده‌ی مورد تحلیل را معرفی و روابط و تعامل میان آنان را تبیین کند. ولی خود تحلیل باید اصولی را رعایت کند که به اقتضای ذات پدیده‌ی مورد نظر تعیین می‌شوند. شاید بتوان برای ساختن مدلی تحلیلی که برای تبیین پدیده‌ی ایران شهر مناسب باشد، اصول زیر را برشمرد.

### اصل اول:

پیروی از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایرانی. شکی نیست که فهم پدیده ایران شهر بدون شناخت معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایرانی ناقص خواهد ماند. سخنرانان محترم قبلی سعی کرده‌اند باب ورود به بحث معرفت‌شناسی ایرانی و ویژگی‌های آن را باز کنند. برخی از این ویژگی‌های مهم، به نقل از آقای دکتر بنی اردلان به این شرح است. ترکیب‌گر: پرهیز از کاهش‌گری و جداسازی معانی و حتی سعی در ترکیب آن دسته از معانی که به نظر متضاد می‌آیند. مصادیق زیبایی آن:

ترکیب حکمت عقلی با حکمت ذوقی

ترکیب عقل با عشق

ترکیب نظر با عمل



مجلس شورای اسلامی  
کمیسیون تخصصی  
حقوق اساسی  
و  
ادبیات و تاریخ  
مجلس  
شماره: ۱۳۹۷  
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

معرفت شناسی ایرانی سعی کرده معانی مهمی چون زیبایی و اخلاق و هنر و دانایی و عشق را در یک مفهوم واحد به نام خرد ترکیب کند. در همین معنا خرد جاویدان را وسیله ای برای دستیابی به جاودانگی از راه زیست درست و پرستش یزدان تعریف کند. البته عرفان ایرانی، عشق را اساس سایر معانی میداند.

## کل نگر

ایرانیان در طبیعت چیزی می دیدند فراسوی تقارن و تناسب و تعادل و نظم. طبیعت را بستری برای دیدن روی یار می دانستند. برخلاف رویکرد عقلانی یونانی به طبیعت، معرفت شناسی ایرانی چندان نمایی نداشت که در هنر جویای ترسیم تعادل و تناسب و تقارن و نظم طبیعت باشد  
اعتقاد به وحدت وجود: همه‌ی ما از یک مجموعه عناصر ترکیب شده ایم. طبیعت ظهور اوست، روح ما هم دمیده‌ی اوست. برای دستیابی به بصیرت یا نوری دیگر برای دیدن یار، باید روح را تربیت کرد.

## مادی کردن این معانی عمیق از طریق هنر و معماری

در مورد ایران شهر، شهری را مطلوب می دانستند که در آن انسان ایرانی بتواند نقش انسانی خود را بخوبی ایفا کند.

شکی نیست که شناخت عمیق و دقیق معرفت شناسی و هستی شناسی ایرانی، شالوده‌ی حرکت به سمت طراحی مدل تحلیلی ایران شهر خواهد بود. در واقع ما نیاز داریم به مدل مفهومی دقیقی از آن. وگرنه از همان آغاز به بیراهه خواهیم رفت. ولی چند پرسش اساسی مطرح است:

- کارکرد این معرفت شناسی در زندگی شهروند معاصر ایرانی چیست؟
- چگونه می توان آن را در شهرهای کنونی عینیت بخشید؟

اما، پرسش اساسی تر این است: فارغ از معرفت شناسی و هستی شناسی ایرانی، آیا

در تاریخ و فرهنگ و متون ادبی ایران می توان ویژگی هایی را یافت که به فهم بهتر اندیشه‌ی ایران شهر کمک کند؟

تعریف مفهومی هویت ایرانی و هویت ایران شهر نیز همان قدر اهمیت دارد. در این تعریف، ذات پویای هویت ایجاب می کند که هویت ایرانی نه تنها با توجه به پیشینه‌ی تاریخی، بلکه در متن ایران معاصر تعریف شود. این بخش شاید دشوارترین کاری باشد که لازم است انجام شود.

## اصل دوم

استادان محترم به ویژه دکتر بنیاردلان در گفتارهای قبلی، اساس معرفت شناسی ایرانی را چنین تعریف کردند:

(بدان که هستی)

ما که هستیم؟ ما جزیی هستیم از عالم هستی و تابع اصول فیزیکی حاکم بر آن. در واقع هر ۴ عنصر مدل -انسان، طبیعت، تکنولوژی، شهر- متأثرند از قوانین عالم هستی. سیاره زمین یا همان طبیعت، جزیی است از عالم هستی. چگونه می تواند تابع قوانین آن نباشد. انسان، جزیی است از طبیعت و در نتیجه از قوانین فیزیکی آن پیروی می کند. شهر و تکنولوژی، ساخته انسان است. آیا می تواند قوانین حاکم بر انسان را نقض کند؟ اصل دوم، به ما میگوید در بحث درباره‌ی ایران شهر، باید به قوانین حاکم بر عالم هستی توجه کرد. اما، این قوانین چیست. در مطالعه ای که با همسر در پروژه‌ی انسان، جستجوی بی پایان تا این مرحله انجام داده ایم، یافته های علوم کیهان شناسی و فیزیک اخترشناسی و فیزیک ذرات و فیزیک کوانتوم در مورد قوانین حاکم بر واقعیت فیزیکی عالم هستی چنین می گویند:

- در عالم هستی، عناصری وجود دارند که به نظر متضاد می آیند. از جمله، ماده (matter) و ضد ماده (anti-matter). ماده گرایش به ترکیب دارد و ضد ماده به فروپاشاندن ترکیب. دانشمندان می گویند اگر بعد از مهبانگ، ماده یک واحد بیش



از ضد ماده نبود، هیچ ترکیبی شکل نمی گرفت و پدیده های عالم هستی از جمله مولکول و عنصر و سیاره و کهکشان و ... و پدید نمی آمد. از آن عجیبتر، ۶۸ درصد واقعیت فیزیکی عالم هستی از انرژی تاریک (dark energy) و ۲۷ درصد آن از ماده تاریک (dark matter) ترکیب یافته و تنها ۵ درصد از ماده معمولی است. انرژی تاریک عامل دور شدن اجرام آسمانی از یکدیگر است. این دو پدیده تاریک نامیده شده اند چون قابل مشاهده نیستند و فهم و شناخت آنان، فعلاً از قلمرو علم تجربی خارج است. به بیانی دیگر، دستاوردهای علمی بشر تا کنون محدود به شناخت واقعیتی است که تنها ۵ درصد عالم هستی را تشکیل می دهد. شاید، رفتارهای عجیب پدیده های طبیعی و انسانی، معلول نیروها و عناصری باشد که وجود دارند ولی ناشناخته اند.

- رفتار عالم هستی، هم نجیبانه (elegant) است و هم وحشی (violent). بر پدیده های طبیعی از جمله گیاهان و جانوران و نیز بدن انسان، تعادلی حاکم است پرشکوه. ولی توفان و سیل و زلزله و سونامی و آتشفشان و انواع بیماری ها ناگهان این شکوه نجیبانه را درهم می شکنند و با بیرحمی تمام، همه آن تعادل را از بین می برد. اما، این رفتار وحشیانه نیز دیری نمی پاید و تعادلی پرشکوه بار دگر بر پدیده ها حاکم می شود.

- بر عالم هستی و پدیده های آن در دو سطح خرد- کوانتومی- و کلان - کیهانی هم نظم حاکم است و هم بی نظمی. بهتر است بگوییم نظم از درون بی نظمی شکل می گیرد و بی نظمی از درون نظم. عالم هستی، صحنه رقص بی پایان نظم و بی نظمی است. اگر تنها نظم حاکم بود، آیا عالم هستی به شکلی که ما می شناسیم به وجود می آمد؟ پرسش مهم این است: نظم چیست؟ و چه رابطه ای با پویایی و زایش دارد؟

- ضرورت و تضاد، هر دو بر پدیده های فیزیکی عالم هستی حاکم اند. ضرورت، برخاسته از نظم است. هردو باعث می شوند پدیده ها قابل پیش بینی شوند. مثال آن، زمان خطی است که موجود زنده تابع آن است. به محض تولد سیر خطی و ناگریز رشد - بلوغ - پیری - و مرگ را می پیماید. ولی بخش مهم عناصر عالم هستی در اثر برخورد تصادفی ذرات و عناصر و اجرام با یکدیگر و در نتیجه تعامل و ترکیب آنان به وجود آمده اند.

- هم هارمونی وجود دارد و هم تضاد. ماده وجود دارد و نیروی جاذبه که عامل ترکیب و درهم تنیدگی و یکپارچگی اند و انرژی تاریک که بخش اعظم عالم هستی را پوشانده و ضد جاذبه عمل می کند: اجسام را از هم دور می سازد. نیروهای حاکم بر عالم هستی مدام در دو جبهه ترکیب و فروپاشی عمل می کنند. گویا عالم هستی عرصه رویارویی بی پایان دو دسته پدیده و نیروی متضاد است.

- بر عالم هستی، ایستایی حاکم است یا پویایی؟ علوم مدرن به ما می گویند، پویایی بی پایان و حیرت انگیز. ما در پهنای هستی شاهد جریان سیالیت و شدن پیوسته هستیم. اصل کوانتومی: پیوستگی (interconnectedness) همه چیز در جهان هستی.

- و سرانجام اصل تکامل پیچیدگی (Evolution of complexity). این پیچیدگی است که در حال تکامل است.

شاید درک این اصول با معرفت شناسی ایرانی چندان ناسازگار نباشد. اندیشمندان این موضوع باید در این باره وارد بحث شوند.

ولی سه پرسش مهم مطرح است:

- چگونه می توان این اصول را در دو مدل مفهومی هستی شناسی ایرانی و ایران شهر، جای داد؟

- آیا استفاده از این اصول در طراحی ایران شهر، امری است مفید؟

- اگر بله، چگونه می توان این اصول را در معماری ایران شهر مادی کرد؟

به نظر می رسد این اصول به ما می گوید که در ترکیب ذوق و عشق و مهر و زیبایی با خرد در معرفت شناسی ایرانی، چه بصیرتی نهفته است. تأکید بیشتر بر معانی ذوقی در هستی شناسی ایرانی با اصول حاکم بر عالم هستی، سازگاری بیشتری دارد. به بیانی دیگر، معانی و مفاهیمی که از جنس ماده نیستند، از ویژگی هایی برخوردارند که برشمردیم. جنسشان، اطلاعات است. هنوز فیزیک مدرن نتوانسته ذات اطلاعات را تبیین کند. به همین دلیل، پدیده های انسانی مانند روح و روان و جان و عشق و معرفت و خرد،

تابع نظم و ایستایی و تعادل و هارمونی نیستند که بیشتر بر ماده حاکم است. تابع قوانینی هستند که بر رفتار پدیده های فیزیکی ولی ناشناخته عالم هستی حاکم است. به نظر می رسد نه تنها شهر بلکه انسان نیز تابع همین قوانین باشد. فهم و درک عمیق این اصول به ما هشدار می دهد که پیش فرض های ما در سیاست گذاری و برنامه ریزی پدیده های مربوط به انسان - از جمله شهر - چقدر با واقعیت های فیزیکی عالم هستی سازگاری دارد.

### اصل سوم

در هر مدلی که بخواهد اندیشه ایران شهر را تبیین کند، بهناچار جایگاه اصلی متعلق به انسان است. مگر نه آنکه غایت هر نوع تحلیلی درباره شهر، کمک به تبدیل شهر به مکانی بهتر برای زندگی انسان است؟ یا به تعبیری دیگر، ایجاد فضایی است که در آن انسان ایرانی معاصر با برخورداری از شرایط زندگی خوب، احساس شادی در حال را تجربه کند؟ هدف از طرح اندیشه ایران شهر جز کمک به تبدیل شهرهای ایران به مکانی بهتر برای زندگی ایرانیان معاصر است؟ پس، انسان و کیفیت زندگی او هدف اصلی و مفهوم محوری است.

پرسش مهم: آیا می توان براساس ویژگی های هستی شناسی و معرفت شناسی ایرانی و با توجه به تعریف هویت ایرانی و درچارچوب قوانین حاکم بر عالم هستی، مدلی برای کیفیت زندگی شهری در ایران طراحی کرد؟ مدلی جامع و قابل اجرا و سازگار با واقعیت های جهان معاصر و روند تحولات آینده؟

پرسش مهم تر: آیا زندگی باکیفیت، وضعیتی است ایستا و مطلوب که باید بدان دست یافت؟ یا پدیده ای است بسیار پویا که معیارهای آن مدام در حال تغییر است؟ این دو پرسش نشان از دو فرض متفاوت دارند. اگر کیفیت زندگی را وضعیتی ایستا و پایدار بدانیم، مدیریت شهری وظیفه ای ندارد جز برنامه ریزی برای دستیابی به آن وضعیت در شهر. اما، اگر کیفیت زندگی یا زندگی خوب شهری را پدیده ای بدانیم که

معیارهای آن در گذر زمان و تحت تأثیر سایر عوامل تغییر می کنند، مأموریت مدیریت شهری از بنیان تغییر خواهد کرد. افزون بر آن، به مدل ذهنی متفاوتی نیاز دارد که با اصول حاکم بر عالم هستی هم خوان باشد و الگوی رهبری این پدیده و هم ساز و کار مدیریتی آن از نوع دیگری است.

### اصل چهارم

بهبود کیفیت زندگی شهری در ایران نباید تعادل اکولوژیک را برهم زند.

### اصل پنجم

تکنولوژی، پیشران تحول زندگی شهری است.

در ساخت مدل تحلیلی نیاز داریم به نگاه سیستمیک، نگاه یکپارچه و کل نگر و رویکرد به آینده.

## ویژگی های عناصر چهارگانه:

### تکنولوژی

از تکنولوژی آغاز می کنیم. بحثی بسیار کوتاه و در حد گفتار حاضر.

تکنولوژی پرشتاب در حال تحول و نوشدن است. تکنولوژی های مرکب و نوپیدا (converging & emerging) حکایت از آن دارند که روند تکامل پیچیدگی در مورد تکنولوژی در جهت ترکیب و همگرایی تکنولوژی های بنیادین در حرکت است. بدین معنا که تکنولوژی های نوظهور اغلب ترکیبی هستند از آخرین دستاوردهای مربوط به علوم و تکنولوژی های متمرکز بر سه عنصر اصلی، اطلاعات و ژن و ماده. انقلاب مجازی به ویژه انقلاب هوش در ترکیب با پیشرفتهای علوم مواد و علوم زیستی که در جهت انقلاب DNA پرشتاب در حرکت است، زندگی آینده بشر را روی سیاره زمین رقم می زنند. روند

تحول این تکنولوژی‌های مرکب و نوظهور، در جهت تکامل پیچیدگی در ساختار و سادگی در کاربرد است.

به هر حال می‌گویند این موج عظیم تحول تکنولوژیک بنیان کن است. مفاهیم بنیادینی چون انسان، جامعه و شهر حتی در ایران باید در قالب این تحول عظیم بازتعریف شوند. برای مثال، در رابطه با انسان، روند حرکت به سمت یکتایی یا **singularity** است. یعنی از بین رفتن مرز تکنولوژی با بدن انسان و درونی شدن تکنولوژی. هدف، کمک به انسان در رفع نقص‌های فیزیکی خود و کسب قابلیت و توانمندی بیشتر برای زندگی در محیطی که بیش از پیش تکنولوژیک می‌شود. در واقع، این تحول شاید بتواند سرعت عقب ماندن انسان از دستاوردهایش را کند سازد. تکنولوژی نه تنها کارکردهای تازه‌ای در زندگی فردی و جمعی انسان معرفی می‌کند، بلکه ساختار وجودی انسان را دگرگون می‌سازد. در مورد انسان و تکنولوژی بحث بسیار است و در این گفتار نمی‌گنجد. در مورد رابطه تکنولوژی با شهر، آیا می‌توان شهر یا حتی روستایی را تصور کرد که در آن تکنولوژی به عنوان عامل مهم وارد زندگی انسان نشده باشد؟ و آیا می‌توان برنامه‌ای برای توسعه شهر و یا روستا تعریف کرد که در آن تکنولوژی اهرم اصلی نباشد؟ ذات انسان معاصر و شهر معاصر هر دو با تکنولوژی در هم تنیده و این درهم تنیدگی رو به افزایش است.

هیچ شهری بدون زیرساخت تکنولوژی پیشرفته نمی‌تواند برای ساکنانش زندگی خوبی فراهم آورد. رنج زندگی در شهرهای بزرگ تنها با تکنولوژی پیشرفته قابل درمان است. مثال ساده آن استفاده از زیرساخت پیشرفته ICT برای ارائه خدمات با کیفیت به مردم است. تنها از این طریق می‌توان میلیون‌ها انسان را از اسارت در زمان و مکان رها ساخت و به آنان فرصت داد هر جا که هستند و در هر زمانی برای رفع نیازهای خود از فضای مجازی استفاده کنند؛ با کاهش نیاز به رفت و آمد در شهرهای بزرگ، انسان شهری را از آسیب‌های تنفس در فضای آلوده و گرفتار آمدن در چنگال بی‌رحم ترافیک رها ساخت و به مردم این حق را داد که هر مکانی را که بخواهند برای زندگی خود

انتخاب کنند. با چنین زیرساخت تکنولوژیکی است که مصرف کاغذ و سوخت های فسیلی کاهش می یابد و منابع باارزش طبیعی برای نسلهای بعد حفظ می شوند. از آن مهم تر، تکنولوژی های ارتباطات و اطلاعات، هم رهایی بخشند و هم با افزایش حق انتخاب، آزادی انسان را در همه ابعاد تقویت میکنند. در مورد نقش تکنولوژی در شهر و جایگاه تکنولوژی پیشرفته در معماری و شهرسازی و مدیریت شهری، بحث بسیار زیاد است و خارج از قلمرو این گفتار.

دو پرسش مهم:

- تکنولوژی پیشرفته در معرفت شناسی ایرانی چه جایگاهی دارد؟

- آیا اندیشه ایران شهر بدون تکنولوژی عینیت مییابد؟

در رابطه با طبیعت نیز تکنولوژی نقش مهمی دارد. هم در آسیب رساندن به آن و هم در احیای آن. تصور حفظ و احیای طبیعت بدون تکنولوژی اشتباه محض است. این بحث نیز در قلمرو این گفتار نمیگنجد.

سرنوشت انسان، شهر و طبیعت به تکنولوژی وابسته است.

## طبیعت

دومین عنصر مدل، طبیعت است. قلمرو طبیعت، سیاره زمین است. سیاره های با تنوعی سحرآمیز از موجودات زنده و برخوردار از پویایی بالا و هارمونی پنهان و آشکار و البته دارای تعادلی شکننده. دستکاری های انسان در طبیعت، تهدیدی جدی برای زیست بوم سیاره زمین. سیاره زمین تابع قوانین هستی است. همه قوانینی که برشمردیم درباره طبیعت صدق می کنند.

به رغم پیشرفتهای علمی انسان که باعث کشف قوانین طبیعت شده، هنوز رازهای پنهان بسیاری وجود دارد. در واقع با هر کشفی لایه ناشناخته تازهای از جهل، خود را نمایان می سازد. انسان در شناخت طبیعت در آغاز راه است.

انسان جزئی است از طبیعت و با آن درهم تنیده است. تعادل وجودی انسان، در گرو

حفظ تعادل اکولوژیک محیط طبیعی است که در آن زندگی می کند. انسان معاصر بیش از پیش تمایل دارد به بازگشت به طبیعت و دیدگاهش به طبیعت در حال دگرگونی است. خود را اشرف مخلوقات می دانست و تصور می کرد طبیعت، برای استفاده و بهره برداری نامحدود برای همیشه در اختیار اوست. ولی اکنون پی برده که چنین نیست. او نه تنها اشرف مخلوقات نیست، بلکه تازه واردی است روی این سیاره که فعلاً تنها سکونتگاه اوست و برای بقای خود مجبور است محدودیت های طبیعت را بفهمد و با طبیعت و عناصر آن رابطه ای همیارانه برقرار کند.

رابطه شهر با طبیعت نیز به گونه ای درهم تنیده است. از یک سو، طبیعت می تواند تهدیدی جدی برای بقای شهر باشد. شهر به تناسب موقعیت اقلیمی و جغرافیایی خود با تهدیدهای طبیعی مانند زلزله و توفان و سونامی و سیل و کمآبی و ... روبروست و چاره ای ندارد جز استفاده از راهکارهایی ساختاری و مدیریتی که به شیوه ای مؤثر شهر و شهروندان خود را در برابر آسیب این تهدیدها حفظ کند.

از سوی دیگر، طبیعت می تواند برای شهر ارزش آفرین و مزیت ساز باشد. دسترسی شهر به اقیانوس و دریا و رودخانه و دریاچه و کوه و جنگل و مناظر طبیعی، به شهر هویتی ممتاز می بخشد. میزان مناسب بارندگی و برف و تابش آفتاب و باد به عنوان مزیت، برای شهر جاذبه می آفریند. دسترسی شهر و نزدیکی آن به منابع انرژی فسیلی و خورشیدی و باد و امواج دریا و حرارت مرکزی زمین و معادن، برای شهر منبع خلق ارزش اقتصادی است. توجه به فضای سبز و زیباسازی در شهرها، ایجاد باغ در ساختمانهای بلند مرتبه، رواج مفاهیمی چون ساختمان سالم و **bionic building** بیانگر این واقعیت است که نیاز انسان به طبیعت رو به رشد است. انسان مدرن با جانوران و گیاهان و سایر عناصر طبیعی رابطه ای دیگر دارد. آگاهی و حساسیت و مسئولیت زیست محیطی انسان بیش از پیش بالا رفته است. نسل آینده مطالبات زیست محیطی بیشتری از مدیران شهری خواهد داشت.

اندیشه شهر سبز (green city) پرشتاب در حال گسترش است. شهری که هم خود سبز باشد و هم الگوی زندگی سبز را در میان شهروندان به فرهنگ تبدیل کند و هم با استفاده از انرژیهای پاک، نه تنها هوایی سالم برای نفس کشیدن مردم فراهم آورد، بلکه میراث طبیعی و منابع احیاءناپذیر طبیعی را برای نسل های بعدی حفظ کند. افزون بر آن، انسان مدرن کشف کرده که برای خلق تکنولوژی جهت حل بحران های خودساخته، باید از طبیعت درس بگیرد. اندیشه biomimetics چه اندیشه زیبایی است برای طراحی و نوآوری تکنولوژیک. تقلید از طبیعت برای طراحی و ساخت کالاهای ابزاری که به انسان کمک کند روند آسیب رساندن به طبیعت را متوقف سازد.

در معرفت شناسی ایرانی، شهر با طبیعت رابطه ای تنگاتنگ دارد. ایران شهر، باید بتواند طبیعت را در درون شهر بازسازی کند. بدون آن، شهر عرصه مناسبی برای نقش آفرینی و شادزیستی انسان ایرانی نخواهد بود. تجربه های وجودی و معنوی شهروندان ایرانی در گرو بازتعریف رابطه شهر با طبیعت است.

## شهر

سومین عنصر مدل ایران شهر، شهر است. پدیده های ساخته انسان در طبیعت با استفاده از تکنولوژی و برای بهبود زندگی انسان و با کارکردهای چندگانه و ذاتی سیستمیک و با پیشینه ای تاریخی. شهر، قدیمی تر از علوم اجتماعی و علوم مدیریت و برنامه ریزی است که قرار است به ساماندهی آن کمک کنند. از آن مهمتر، شهر به شدت متأثر از جریان تکامل پیچیدگی است و بخشی از پدیده های آن قابل برنامه ریزی و مهندسی و بخشی دیگر، emergent، و غیر قابل پیش بینی است.

شهر، تکنولوژی بنیان است. البته، همگامی شهر با پیشرفتهای تکنولوژی بستگی دارد به میزان خرد تکنولوژیک مدیریت حاکم بر آن شهر. شهر، نماد فیزیکی تمدن و انتقال دهنده دستاوردهای تمدنی یک جامعه به نسل های بعدی است.



شهرهای امروزی نیازمند مدیریت پیچیدگی اند. شهرهایی بی‌خواب با خدمات شبانه‌روزی و برخوردار از شبکه عصبی تکنولوژیک و حرکت به سمت هوشمند شدن. نبض شهر ۲۴ ساعته می‌تپد، برای کار و برای زندگی و تفریح.  
پرسش مهم: ایران شهر چگونه شهری است؟

## انسان

اما، مهم‌ترین عنصر مدل تحلیلی ایران شهر، انسان است. موجودی تازه به دوران رسیده که به شکل انسان امروزی در سیاره‌های ۴/۵ میلیاردساله، حدود ۲۰۰ هزار سال پیش ظاهر شد. تابع قوانین عالم هستی در دو سطح خرد و کلان. وجود انسان، عرصه رقص بی‌پایان نظم و بی‌نظمی، هارمونی و تضاد است. شور و عقل، نماد آن است. پویایی و شدن بی‌پایان ویژگی انسان است. ناپایداری حالات درون، برخاسته از تعامل ذرات و عناصری است فیزیکی که از آن ترکیب یافته است. حضورش در زمان و فضا، تابعی است از حاکمیت زمان خطی بر وجودش به عنوان موجود زنده و



درعین حال زمان غیرخطی به خاطر قابلیت ذهنش. زمان خطی به بدنش حکم می کند که به محض تولد، مراحل رشد را طی کند و طی روندی برگشت ناپذیر به سمت مرگ گام بردارد. ولی ساختار مغزش او را به موجودی دارای آگاهی و شعور و خودآگاهی و البته زماناگاهی تبدیل کرده که در ذهنش می تواند در آن واحد گذشته و حال و آینده را درهم آمیزد.

سرشتی پرتعارض و تحت حاکمیت نیروهای معارض دارد: دو نیرو که یکی او را به سمت کار نیک سوق می دهد و نیرویی دیگر که او را به سوی کار بد هدایت می کند. هم می تواند تابع عقلانیت و منطق باشد و هم پیرو شور و عشق و جنون. هم در برابر نیروی عشق و همدلی و خیرخواهی وسوسه شود و هم اسیر شهوت های سه گانه قدرت و ثروت و شهرت. انسان مدرن هم خالق نظم و قانون و سیستم و علم و شعر و هنر است و هم خالق جنگ و خشونت و کشتار بی معنی. وحشی نجیب همچنان در ژرفای وجود انسان مدرن کمین کرده است.

انسان راه درازی را از غارنشینی تا تمدن قرن ۲۱ پیموده و سپهری پدید آورده ساخته دست خود در دل طبیعت و مدام آن را به کمک علم و تکنولوژی متحول ساخته و می سازد. مغز و ذهنش او را مأمور کرده برای جستجوی بی پایان جهت کشف قوانین عالم هستی و استفاده از آن برای دستکاری بیشتر در پدیده های طبیعی. با استفاده از قابلیت خلاقیت شگفت انگیز خود ساختارها و سازه های اجتماعی پیشرفت های مانند سازمان و شهر و جامعه و کشور، نظام های ملی و بین المللی و جهانی و نیز مفاهیمی مانند سیستم و قانون و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فلسفه و متدولوژی و انواع مکاتب فکری و... را خلق کرده است. ولی هنوز سرشتی دارد تحت سلطه خشم و کینه ورزی و نفرت و هیجان هایی که بحران های معاصر را رقم زده است. هنوز نمی تواند نیروهای ویرانگر درون خویش را مهار کند آن هم با داشتن مغزی که هنوز قابلیت های آن کشف نشده است. مغزی که قادر است ساختار بیولوژیک خود را تغییر دهد. رفتارشان نشانه خردورز بی خردی است که در میانه دو دنیای متمدن خود ساخته و طبیعت عقب مانده اش سرگشته و گرفتار مانده است.

انسان شاید با کشف قوانین حاکم بر عالم هستی و درک پیوند ناگسستنی وجودیش با این عالم، بتواند واقعیت وجودی خویش را درک کند و خود را از قید توهّم های بیهوده رها سازد. توهّم پایداری دستاوردها به خاطر باور به خطی بودن و برگشت ناپذیر بودن روند پیشرفت. انسان باید بپذیرد همان گونه که عالم هستی در سلطه نیروهای معارض قرار دارند، ذات او نیز تحت حاکمیت چنین نیروهایی است.

اما، در رابطه با ایران شهر، توجه به چند ویژگی انسان مدرن مهم است. انسان مدرن اهمیت رابطه ژرف میان تعادل دنیای برون با دنیای درون را کشف کرده و سعی دارد رابطه خودش را با طبیعت از نو تعریف کند. انسان مدرن رابطه ای دوگانه با تکنولوژی دارد. بیش از پیش جویای داشتن زندگی خوب و باکیفیت است. انسان مدرن در جستجوی معناست. باید برای زندگی معنا و فلسفهای تعریف کند درخور حیات کوتاهش در دنیای بحرانزده کنونی.

بحث درباره انسان گسترده و در این گفتار نمی گنجد. در همین حد نیز بدون بحث درباره ایرانی معاصر ناقص می ماند.

## ایرانی معاصر

ایرانی معاصر را باید شناخت. آن هم با روش علمی. اما، در این گفتار شاید بد نباشد به چند ویژگی اشاره شود.

انسان ایرانی در چرخشگاهی تاریخی حضور دارد، سرنوشت ساز. تجربه انقلاب و سه دهه گذشته او را دچار شوک آگاهی کرده است. به تعبیر داریوش شایگان، از تعطیلات تاریخ بازگشته و خود را با واقعیتی مواجه دیده نکاندهنده. به جستجوی هویتش برآمده و سعی دارد این هویت را باز کند و کاو در تاریخ گذشته و از نو تعریف کند. سه عنصر سازنده هویت خود را - ایرانیت - اسلامیت - مدرنیت - مورد بازاندیشی قرار داده و می کوشد تعامل پیچیده میان آن سه عنصر را بفهمد. با خود می اندیشد شاید شناخت ریشه ها و تاریخ گذشته اش به او کمک کند موقعیت کنونی خود را بهتر درک کند. گاه در وادی این گذشته

تاریخی گرفتار می ماند و نمی تواند از آن به حال و آینده گذر کند. اما، شاید بتوان گفت که بیش از همیشه احساس می کند نیاز دارد به فهم و بازاندیشی در مورد عملکرد گذشته کشورش. سال ها با نومییدی به آینده نگاه می کرد و آن را تاریک می دید. ولی شاید امروزه امیدی بیشتر به آینده یافته باشد. رهاشدن تدریجی از توهم های ویرانگر قبلی مانند این توهم که با انقلاب می توان به بهشت موعود دست یافت، شاید به او کمک کند واقعیت های جهان امروز را بهتر درک کند.

ایرانی معاصر بیش از همیشه احساس می کند نیاز دارد به بازتعریف زندگی و فلسفه آن. پرسش این است:

آیا معرفت شناسی و هستی شناسی ایرانی می تواند به او در تعریف هویت و معنای زندگی کمک کند؟

آیا ایران شهر برای ایرانی معاصر گرهگشای چالشهای هستی شناختی اوست؟ چگونه؟

بحث را با نگاهی به شهرهای امروزی ایران به پایان می برم.

شهرهای ایران: رها شده و افسار گسیخته و تحت حاکمیت نیروهای بازار و بدون هویت تعریف شده و بدون قطب نما و بدون ارتباطی تعریف شده با طبیعت، بدون نقشه راهی برای بهره برداری هوشمندانه از تکنولوژی در حال گسترش اند. اغلب مکانی نامناسب برای شادزیستن انسان ایرانی و عرصه ای ناهموار برای ایفای نقش انسانی و به سرعت در حال دور شدن از معانی محوری معرفت شناسی ایرانی. ولی آماده برای تحول.

فضا برای تعریف ایران شهر بیش از همیشه آماده است.

ولی پرسش این است:

چگونه می توان اندیشه ایران شهر را به کالبد شهرهای کنونی ایران تزریق کرد؟

ولی اندیشه ایران شهر نیاز دارد به طراحی مدلی جامع که بتواند راهنمای سیاست گذاری و برنامه ریزی تحول مدیریت شهری شود.

ایران شهر باید بتواند مفاهیم نوین را در خود جذب کند. شهر سبز و شهر پایدار را

با هم ترکیب کند. شهر پایدار شهری است که شهروندان به فرصت های برابر برای زندگی خوب برخوردارند. فرصت برابر برای کار و زندگی و تفریح و برخورداری از خدمات باکیفیت. شهری که برای معتمدانش نه تنها سرپناه دارد و درمانگر. بلکه سخت می کوشد ریشه اعتیاد را بشناسد و آن را از میان بردارد. فقر را در شأن انسان ایرانی نمی داند. برای بیماران و معلولان و کهنسالان، خدمات درخور فراهم می آورد. شهر برای رفت و آمد دوچرخه و پیاده و صندلی چرخدار، فضای مناسب دارد. در همه جای شهر، مردم به سرویش بهداشتی دسترسی دارند و ....

ایران شهر، پدیده ای است هم اثری و هم خاکی و ملموس. چالش آن ترکیب نیازهای این دو سطح با دغدغه عدالت اجتماعی و برابری فرصت ها با دغدغه زیست محیطی است. ایران شهر باید بتواند هم نیازهای معنوی انسان ایرانی معاصر را پاسخ دهد و هم شهری باشد سبز و پایدار.

چنین شهری نیاز دارد به کالبد سازمانی مناسب. وضعیت کنونی مانع دستیابی به چنین هدف والایی است. سازمانی واحد با اختیارات کامل باید متولی اداره شهر باشد. مانع اصلی تحول شهرهای ایران، پراکندگی وظایف و مأموریت ها در سازمان ها و نهادهایی است که اغلب باهم رقیب اند نه همکار. و بهبود زندگی شهروندان معاصر ایرانی، مأموریت مشترک آنان نیست.

در این گفتار تنها سعی شد موضوع طرح شود و چارچوبی برای ورود به بحث مدل سازی تحلیل ایران شهر ارائه گردد. و پرسش هایی مطرح شود که شاید زوایای تازه ای را به روی بحث ایران شهر باز گشاید. تیمی از اندیشمندان حوزه های گوناگون لازم است تا این کار بزرگ را به سرانجام رسانند.

# دکتر شهیندخت خوارزمی

## تحصیلات

- لیسانس روان شناسی از دانشگاه پهلوی شیراز
- فوق لیسانس روانشناسی و جامعه‌شناسی و کاندیدای دکترای روانشناسی و ارتباطات و روش تحقیق از دانشگاه ایندیانا، امریکا.

## تجربه حرفه ای

- تدریس در دانشگاههای کشور
- سرپرست مراکز پژوهشی و تحقیقاتی
- مشاور مدیران ارشد سازمانهای خصوصی و دولتی از جمله مشاور وزیر معادن و فلزات و مشاور رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و شهردار تهران و مشاور عالی مدیران عامل صنایع ملی مس و شرکت خوردسازی سایپا
- بنیانگذار و عضو هیئت مؤسس انجمن های علمی و مدنی
- نایب رئیس انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی و مؤسسه حامی پژوهشگران ایران
- مسؤل و مجری پروژه های پژوهشی در زمینه های مختلف
- عضو هیئت تحریریه و شورای نویسندگان چند نشریه
- ناظر و داور پروژه های پژوهشی و کارشناسی

## انتشارات

- چاپ مقاله های بسیار در نشریههای معتبر داخلی و انتشار ۹ کتاب از جمله ترجمه کتاب های:
- موج سوم. اثر الوین تافلر
- جابه جایی در قدرت. اثر الوین تافلر
- جنگ و ضد جنگ. اثر هایدی و الوین تافلر

- نخستین انقلاب جهانی. اثر الکساندر کینگ و برتراند اشنايدر
- ژاپن کشور شماره ۰۱. اثر هایل برونر (با همکاری دکتر علی اسدی)
- و تألیف سه کتاب با همکاری دکتر مهدی بهکیش و دکتر علی اکبر فرهنگی با عناوین الزامات مدیریتی تعدیل اقتصادی و مدیریت تغییر تکنولوژی و مدیریت تحقیق و توسعه و تألیف کتاب کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی

### جایزه و بزرگداشت

- جایزه و مدال دانشجوی رتبه اول و فارغ التحصیل ممتاز دانشگاه پهلوی شیراز
- بورس تحصیلی کامل دانشگاه ایندیانا در دوره فوق لیسانی و دکترا
- جایزه مترجم نمونه برای ترجمه کتاب جابجایی در قدرت. دانشگاه الزهرا
- معرفی زندگینامه در برنامه دانشوران ایران
- درج زندگینامه در «دانشنامه زنان فرهنگ ساز ایران و جهان» انتشارات زریاب. ۱۳۷۸
- استاد پیشگام ارتباطات و روابط عمومی الکترونیک. اردیبهشت ۱۳۸۸
- انتشار تمبر یادبود (نخستین زنی که در جمهوری اسلامی ایران به نامش تمبر یادبود چاپ شده است)
- استاد برتر منابع انسانی. آذر ۱۳۸۸
- برنده جایزه ادبی مهتاب

